

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

## مروری بر بحث لعن و تبری در نهم ربیع

**کلیدواژگان:** لعن، تبری، نهم ربیع، ابولؤلؤ، عمرسعد، جهالت، سیاست‌های ضداسلامی غربی، سیره‌ی عملی معصومین علیهم‌السلام، وظیفه‌ی دینی، آداب، وحدت.

بحث نهم ربیع واقعاً از آن معضلاتی است که متأسفانه جهالت جامعه همراه با خباثت برخی از کسانی که در موضع هدایت گروه‌هایی هستند، پدیده‌ی بدی را ایجاد کرده که جای بسیار تأسف است. این بحث، به‌صورت مفصل در سایت اهل‌ولاء هست<sup>۱</sup> و دوستان احتمالاً مراجعه کرده‌اند. واقعاً اینکه نهم ربیع تاریخ به قتل رسیدن خلیفه‌ی دوم به‌دست ابولؤلؤ باشد، کاملاً مردود است. خلیفه‌ی دوم در روز بیست‌وششم ذیحجه مضراب شد و یکی دو روز بعد هم از دنیا رفت؛<sup>۲</sup> پس این کاملاً منتفی است! ثانیاً، انگیزه‌ی ابولؤلؤ که خلیفه‌ی دوم را مورد حمله قرار داد و از پا درآورد، انگیزه‌ی معنوی نبود! انگیزه‌ی انتقام گرفتن برای ظلم‌هایی که به اهل‌بیت علیهم‌السلام شده، نبود. در صحبت‌های مفصل، با قرائن نشان داده‌ایم که یک نوع جنگ قدرت بین جناح‌های حاکمیت غاصب دوران بود؛ یعنی در داخل گروه حاکم کودتاچیان سقیفه، جناح‌بندی‌هایی اتفاق افتاد و یک جناح، ابولؤلؤ را فرستاد برای اینکه

<sup>۱</sup>. برای آگاهی از مباحث مذکور رک.

<http://www.ahlevela.com/%D8%B3%D8%AE%D9%86%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D8%AF/%D9%85%D8%A8%D8%A7%D8%AD%D8%AB-%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D9%82%D8%A7%D8%AF%DB%8C/curse-and-renounce>

<sup>۲</sup>. ابن‌ادریس، السرائر، ج ۱، ص ۴۱۸؛ کفعمی، مصباح، ص ۵۱۵ و سیدبن‌طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۵۲۹.

به نحوی عمر را از پا در آورد.<sup>۳</sup> بنابراین اینکه برای ابولؤلؤ سلام و صلوات می فرستند، تقدیس می کنند، در کاشان مقبره درست کرده اند، اینها جهالت است. ابولؤلؤ یک شخصیت کاملاً زیر سؤال است! اصلاً دینش معلوم نیست چیست! انگیزه اش اصلاً نشان نمی دهد که انگیزه ی الهی بوده یا انگیزه ی محبت اهل بیت علیهم السلام و انتقام از ظلمی بوده که به اهل بیت علیهم السلام شده؛ بلکه ماجرا چیز دیگری است؛ این هم لحاظ دوم!

لحاظ سوم اینکه بحث لعن و تبری (که مفصل در کتاب ره توشه ی دیدار مکتوب است و در فایل های صوتی سایت در دسترس است)،<sup>۴</sup> در مجموعه ی آموزه های دینی ما، در قرآن کریم، در احادیث معصومین و در سیره ی عملی معصومین علیهم السلام، به عنوان یک وظیفه ی دینی وجود دارد.<sup>۵</sup> کسانی که با تفکرات غربی پلورالیسمی و بحث تلورانس و امثال اینها بحث لعن و تبری را انکار می کنند، موضعشان ربطی به اسلام ندارد. در قرآن کریم، هم بحث لعن را صراحتاً داریم و هم بحث تبری را؛<sup>۶</sup> پس این جای انکار ندارد. اما خدمت عزیزان عرض کرده ایم که در دستورات دینی سه مرتبه داریم؛ یکی شکل ظاهری حکم که در قالب دستورات شرعی، امر به یک کار یا نهی از کاری شده است. دوم اینکه انجام آن دستور می تواند آدابی داشته باشد؛ یعنی ما از مرتبه ی احکام به آداب می آییم. آن وظیفه اگر با این

---

۳. شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام، صص ۱۲۹-۱۳۰.

برای آگاهی از مباحث مذکور ر.ک.

<http://www.ahlevela.com/%D8%B3%D8%AE%D9%86%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D8%AF/%D9%85%D8%A8%D8%A7%D8%AD%D8%AB-%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D9%82%D8%A7%D8%AF%DB%8C/curse-and-renounce>

۴. برای آگاهی از مباحث مذکور ر.ک.

[http://ahlevela.net/pdf/rahtoshedi dar.pdf](http://ahlevela.net/pdf/rahtoshedi%20dar.pdf)

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۶؛ جزائری، نعمت الله، ریاض الابرار، ج ۲، ص ۵۰۵ و منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام.

التفسیر، ص ۴۷ (با اندک تفاوت هایی در عبارات).

۶. برای نمونه: سوره ی بقره، آیه ی ۱۵۹؛ سوره ی نساء، آیه ی ۴۷؛ سوره ی آل عمران، آیه ی ۶۱ و ...

ادب انجام شود، آن اثربخشی و تأثیر مثبت را دارد؛ پس این هم شد آداب آن! سوم، آن تأثیری که نهایتاً می‌بخشد و آن چیزی که این دستور تنزیل اوست، و حقیقت و سر آن است، اسرار آن حکم می‌شود؛ پس ما احکام، آداب و اسرار داریم.

در لعن و تبری هم همین‌طور است. حکم به لعن و حکم به تبری داریم؛ اما ادب لعن و تبری هم داریم. لعن و تبری باید با آدابی انجام شود، که آن را به‌طور مشروح در ره‌توشه‌ی دیدار اشاره کرده‌ام.<sup>۷</sup> به هیچ‌وجه لعن و تبری به‌معنی بدهنی، فحاشی و توهین کردن نیست! لعن یک نوع دعای منفی است؛ می‌گوییم خدایا فلانی را از رحمت خودت دور بدار؛ لعن یعنی این! تبری هم یعنی من نسبت به رفتاری که او انجام داد، بیزاری می‌جویم؛ صف جدا می‌کنم و من جزء آنها نیستم. من در واقع نقطه‌ی مقابل آنها هستم. به هیچ‌وجه حاوی دشنام و بی‌ادبی و رفتارهای زشت و موهن نیست. بنابراین اگر کسی به قصد انجام حکم الهی، به قصد انجام وظیفه‌ی دینی، می‌خواهد لعن و تبری داشته باشد، این لعن و تبری باید در قالب آدابی باشد که دین فرموده و در قالب ادبی که اهل بیت علیهم‌السلام آن ادب را عمل کردند. کجا در متون دستورات دینی داریم که مثلاً امیرالمؤمنین علیه‌السلام با الفاظ رکبیک در مورد ابابکر یا عمر یا عثمان صحبت کرده باشند؟! درباره‌ی عایشه یا حفصه صحبت کرده باشند؟! علی‌رغم همه‌ی شقاوت‌هایی که آنها داشتند. این حدیث و جمله را از امیرالمؤمنین علیه‌السلام در کتاب ره‌توشه‌ی دیدار نقل

---

۷. برای آگاهی از مباحث مذکور رک.

کرده‌ام، که حضرت فرمودند: اگر بهشت و دوزخی هم نبود، پاداش و کیفری هم نبود، شایسته بود که انسان به فضیلت‌های اخلاقی پایبند باشد.<sup>۸</sup>

حالا این حدیث بی‌سندی که نقل می‌کنند، که رُفِعَ الْقَلَمُ!<sup>۹</sup> در روز نهم ربیع قلم برداشته شد و اگر کسی در مقام لعن و تبری، هر کار غیر مطابق شرع انجام دهد، معدّب واقع نمی‌شود، اولاً سستی این عبارت و حدیث کاملاً معلوم است! به هیچ‌وجه، به این معنا قلم برداشته نمی‌شود! **حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامٌ مُحَمَّدٌ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**،<sup>۱۰</sup> اینکه ما بگوییم در روز نهم ربیع تکلیف‌های شرعی برداشته می‌شود، حرف بی‌ربطی است. اگر رفع‌القلم است، پس اجازه دهید من اموال شما را تاراج کنم و بگویم رفع‌القلم! پس دزدی در این روز مانعی ندارد! آیا شما اجازه می‌دهید من اموال شما را تاراج کنم؟ یا به کسی اجازه می‌دهید خدای نکرده، به ناموس شما تعدّی کند و بگوید رفع‌القلم؟! خیلی روشن، واضح و بدیهی است که این حرف، حرف سستی است. بنابه آن جمله‌ی زیبای امیرالمؤمنین، حتی فرض کنید که رفع‌القلم و اصلاً بنا نیست کسی گناهش نوشته شود و بعداً مورد بازخواست و عذاب قرار گیرد، اصلاً خود خوبی و ادب اقتضا می‌کند انسان به آن پایبند باشد؛ بی‌ادب محروم ماند از لطف رب! بنابراین بی‌شک این حرف‌های رکیک و رفتارهای موهنی که انجام می‌شود با موازین دینی و

---

۸. لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُو جَنَّةَ وَلَا نُخْشَى نَارًا وَلَا نُؤَابَا وَلَا عِقَابًا لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطْلُبَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّمَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ: نوری،

مستدرک‌الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۹۳.

لَوْ لَمْ يَتَوَعَّدِ اللَّهُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ لَكَانَ يَجِبُ أَنْ لَا يُعْصَى شُكْرًا لِنِعْمِهِ: سیدرضی، نهج‌البلاغه (صبحی صالح)، ص ۵۲۷؛ حرعاملی،

وسائل‌الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۸ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۶۴.

۹. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۱، ص ۱۲۷: فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): هَذَا يَوْمُ الْإِسْرَاحَةِ، وَ يَوْمُ تَنْفِيسِ الْكُرْبَةِ، وَ يَوْمُ الْعَدِيرِ الثَّانِي، وَ يَوْمُ

تَخْطِيطِ الْأَوْزَارِ، وَ يَوْمُ الْحَيْرَةِ، وَ يَوْمُ رَفْعِ الْقَلَمِ... .

۱۰. صفار، بصائرالدرجات، ج ۱، ص ۱۴۸؛ حرعاملی، الفصول المهمّة، ج ۱، ص ۶۴۳. حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ

حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۸ و مجلسی، مرآة‌العقول، ج ۱، ص ۲۰۰. حَلَالُهُ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى

يَوْمِ الْقِيَامَةِ: کلینی، کافی، ج ۲، صص ۱۸-۱۹.

ادب دینی، و با ادب اهل بیت علیهم السلام نمی‌سازد. اگر واقعاً باور داشته باشیم که در محضر پیغمبر، در محضر امیرالمؤمنین، در محضر حضرت زهرا، در محضر حضرت بقیةالله علیها السلام هستیم، و حضور آنها را احساس کنیم، رویمان می‌شود اصلاً چنین حرف‌های زشتی بر زبان بیاوریم؟! ولو طرف مقابل مستحق صد برابر بدتر هم باشد، اصلاً ما در محضر خدا و اولیا خدای حاضریم دهان به این بی‌ادبی‌ها باز کنیم؟ چنین رفتارهای زشت و ناشایستی را در محضر حضرت زهرا علیها السلام حاضریم انجام دهیم؟ در محضر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله؟ بی‌شک اینها کارهای نامطلوب و نادرستی است. لعن به جای خود، تبری به جای خود، اما این رفتارها، عمل کردن به سبک و سیره‌ی همان کسانی است که شما دارید لعنشان می‌کنید! یعنی فحاشی و رفتارهای زشت و موهن، اخلاق و مسلک همان کسانی است که شما دارید لعنشان می‌کنید! و دور شدن از سبک و مسلک امیرالمؤمنین و حضرت زهرا و پیغمبر و اهل بیت علیهم السلام است. آنها [از چنین رفتارهایی] منزعجند. خدا از فحاشی بدش می‌آید. این همه احادیث داریم در مورد کسی که اهل فحاشی و بددهنی است، که خدا بدش می‌آید و منزعج است؛ پیغمبر و اهل بیت علیهم السلام منزعج هستند؛ کسی که اهل فحاشی و بددهنی است، در بهشت راه داده نمی‌شود.<sup>۱۱</sup>

چطور کسی به اسم دین، به اسم معنویت، اسم خودش را هم گذاشته مرجع تقلید، حالا کاری ندارم که سواد هم ندارد، هیچ مرجع رسمی علمی سواد و تحصیلات او را تأیید نکرده است، با بودجه‌های کلانی که دولت انگلیس در اختیارش می‌گذارد، و آن شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و امثال اینها، مردم را به بیراهه می‌کشاند! و ثمره‌اش چیست؟ آیا شما علاقمند به اهل بیت علیهم السلام هستی یا نه؟! آیا می‌خواهی پیروان اهل بیت علیهم السلام زیاد شوند؟ با این فحاشی که تو در رابطه با خلفا و وابستگان به خلفا

۱۱. عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۲۹۹؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۴ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۴۹: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى

كُلِّ فَاحِشٍ ...

ورام‌بن‌ابی‌فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۱۰ و پاینده، نهج الفصاحة، ص ۴۳۴: الْجَنَّةُ حَرَامٌ عَلَى كُلِّ فَاحِشٍ أَنْ يَدْخُلَهَا.

می‌کنی، با این رفتارهای زشتی که انجام می‌دهی چند تا سنی تا حالا شیعه شده؟! این رفتارها سنی را شیعه می‌کند؟ به دوستان اهل بیت علیهم‌السلام اضافه می‌کند؟ و از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام کم می‌کند؟ یا درست صدوهشتاد درجه اثر عکس دارد؟! یعنی سنی‌ها را در واقع عقده‌مند می‌کند و کینه‌ی شیعیان را در دلشان می‌نشانند؟! یادتان است که ریگی علیه‌اللّٰعنه که اعدام شد، سرکرده‌ی آن گروه خبیث وهّابی در شرق کشور، در اعتراف‌هایش گفته بود: هر وقت ما می‌دیدیم نیروهایمان در کشتن شیعه‌ها دارند سست می‌شوند، یکی از فیلم‌های مراسم نهم ربیع شیعیان را می‌بردیم نشان می‌دادیم، اینها صد برابر بیش از انتظار ما مصمم می‌شدند در سر بریدن، در کشتن، در به رگبار بستن شیعیان! این تازه داخل ایران است. در تمام جهان اسلام فقط یک کشور اسلامی داریم که مذهب رسمی آن شیعه است. در بقیه‌ی جاها اکثریت با اهل سنت است؛ حتی در کشوری مثل عراق که اکثریت با شیعیان است، اهل سنت کاملاً صاحب قدرت هستند. در ماجراهای داعش و امثال اینها در عراق مگر ندیدیم چه بود؟ هزار هزار شیعیان را به رگبار بستند! پس ما با این کارمان داریم به نفع اهل بیت علیهم‌السلام و دوستان اهل بیت علیهم‌السلام کار می‌کنیم؟ به نفع مکتب اهل بیت علیهم‌السلام کار می‌کنیم؟ یا داریم دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام را مصمم‌تر می‌کنیم در کشتار و جنایت علیه دوستان اهل بیت علیهم‌السلام؟! کمی فکر کنیم! این کسی که در انگلستان نشسته و به افراد جاهل و بی‌اطلاع خط می‌دهد، و از احساسات شیعی آنها سوءاستفاده می‌کند، [کارهایش از دین ریشه می‌گیرد؟] درست در هفته‌ی وحدت که توسط انقلاب اسلامی، برای نزدیک شدن امت اسلامی به همدیگر، و برای ایستادگی یکپارچه در برابر دشمنان کلیت اسلام، مطرح شد، درست در همین ایام هفته‌ی برائت را اعلام می‌کند! این از دین ریشه می‌گیرد؟! از قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام و مکتب تشیع ریشه می‌گیرد یا از خط‌مشی‌هایی که دولت خبیث انگلستان و قدرت‌های ضداسلامی غربی برای ریشه‌کن کردن تشیع، در ذهنشان طراحی کرده‌اند، مایه می‌گیرد؟

به‌رحال خیلی باید هوشیار بود؛ خیلی باید دقیق بود. همان‌طور که عرض کردم اصلاً نهم ربیع تاریخ کشته شدن خلیفه‌ی دوم نیست! اسنادش را مفصل مطرح کرده‌ام و فایل آن در سایت اهل‌ولاء موجود

است. اگر هم باشد، تاریخ کشته شدن عمرسعد به دست مختار است؛ عمرسعد آن فرماندهی خبیث لشکر ابن زیاد در ماجرای عاشوراست و ربطی به خلیفه‌ی دوم ندارد؛ تازه آن هم محتمل است و قطعی نیست. بعد هم اصلاً حرکت، حرکت دینی نبود! ابولؤلؤ انسانی نبود که با انگیزه‌ی دینی کار کند؛ یک شخصیت کاملاً زیر سؤال! بعد هم یک حدیث مضحک درست کرده‌اند در رابطه با امام عسکری علیه السلام و ماجرای نهم ربیع و امثال اینها،<sup>۱۲</sup> که سرتا پایش نشان می‌دهد درست نیست! سر تا پای آن حدیث، با احادیث متقن و آیات قرآن و سیره‌ی عملی معصومین علیهم السلام تعارض دارد. این حدیث ساختگی را مستند قرار داده‌اند در کنار بحث رفع القلم که در همین حدیث هم به آن اشاره کرده‌اند و چنین کارهای زشتی انجام می‌دهند؛ بی‌شک مورد تأیید نیست.

البته من نمی‌گویم با کسانی که جاهل هستند و گول این جریان‌ها را خورده‌اند، برخوردهای تند و تلخی شود. خیر! از احساسات پاک و صاف شیعی و ولایی اینها سوءاستفاده شده و لذا باید در برخورد با اینها خیلی لطیف، مؤدب، و بامحبت رفتار کرد و نسبت به این نکات متوجه‌شان کرد. امیدوار هستیم همین بحث‌هایی که طی این سال‌ها در جلسات عرض کرده‌ام و فایل‌هایم موجود است، روزی به صورت یک کتاب و مجموعه‌ی مکتوب درآید و علاوه بر اینکه ما در این ایام فایل‌های صوتی این بحث‌ها را در کانال و سایت در دسترس می‌گذاریم، به صورت جزوه‌ی مکتوب هم بشود تکثیر و توزیع کرد؛ در دسترس افراد قرار داد و جلوی این ماجرای انحرافی و خلاف را گرفت.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

<sup>۱۲</sup>. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۱۲۰ و خوئی، منهاج البراعة، ج ۳، ص ۷۷.